



ربایندگان حرفه‌ای «یسنا»

مدیرعامل هلال احمر گلستان گفته است که ربایندگان «یسنا» حرفه‌ای بودند. قاسم غریب‌آبادی با بیان اینکه شکل رهاسازی «یسنا» توسط آدم‌رباها نشانگر ارزیابی همه جوانب حرفه‌ای بودن آنها بود، گفت: «امکان خارج شدن کودک از میان بوته‌های مرتفع کلزها بسیار پایین بود. آدم‌رباها پس از بازگرداندن بستن، در کمال نامردی او را در میان کلزها رها کرده بودند که به‌هیچ‌عنوان در حالت معمولی و زمینی امکان پیدا شدن کودک وجود نداشت. هلال احمر از همان لحظات اولیه جست‌وجو، پای کار بود و اگر همان‌روز پس از رها کردن کودک پیدا نمی‌شد، باتوجه به اینکه هوشناسی آغاز بارش را از شامگاه روز پنجم هشدار داده بود، قطعاً سلامت کودک و جان او به خطر می‌افتاد.» غریب‌آبادی هوشیاری سارقان در چگونگی بازگرداندن و رهاسازی کودک را حرفه‌ای و با ارزیابی همه جوانب دانست و ادامه داد: «پلیس و دادستانی پس از ارزیابی‌های دقیق‌تر، دلایل آمریبایی را جهت‌تنبویر افکار عمومی اطلاع‌رسانی می‌کنند.»



فوت ۳۹ نفر در حوادث جوی

رئیس اورژانس کشور از فوت ۳۹ نفر از ابتدای فروردین‌ماه تا ۱۵ اردیبهشت‌ماه به‌دلیل وقوع حوادث جوی خبر داد. به گفته جعفر معیادفر در این مدت ۱۲۰۴ نفر آسیب‌دیده از این حوادث بوده‌اند. به گزارش ایلنا او ادامه داد: «این تعداد نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد ۲ برابری داشته است. همچنین ۱۱۶۵ نفر در این مدت مصدوم شده‌اند که نسبت به مدت مشابه سال قبل رشد ۹۷ درصدی داشته است.» رئیس اورژانس کشور با اشاره به وقوع سیل در این مدت گفت: «از ابتدای فروردین‌ماه تا ۱۵ اردیبهشت‌ماه ۴۱ نفر در سیلاب مصدوم و ۲۵ نفر نیز بر اثر وقوع سیل جان خود را از دست داده‌اند. همچنین در این مدت ۲۴ نفر در طوفان مصدوم شده‌اند. از ابتدای فروردین‌ماه تا ۱۵ اردیبهشت‌ماه سال جاری ۶ مصدوم بر اثر ریزش کوه یا سنگ، ۱۰۶۹ نفر بر اثر گردوغبار و ۲۰ نفر در سایر حوادث مصدوم شده‌اند. همچنین ۴ نفر بر اثر وقوع رعدوبرق فوت شده و ۵ نفر نیز مصدوم شده‌اند.»



ابتلای ۴ ایرانی به تب کریمه کنگو

مشاور رئیس سازمان دامپزشکی کشور اعلام کرد که تاکنون چهار نفر به یک بیماری مشترک بین انسان و دام مبتلا شده و یک نفر نیز فوت شده است. امین اسدی در این باره گفت: «براساس آماروزارت بهداشت و درمان، تاکنون ۴ نفر به بیماری تب کریمه کنگو مبتلا شده‌اند که متأسفانه یک نفر فوت شده است. بنابراین انتظار می‌رود هموطنان نکات بهداشتی را رعایت کنند.» او ادامه داد: «باتوجه به اینکه شرایط تشخیص و درمان بیماری تب کریمه کنگو (مشترک بین انسان و دام) در کشور مهیا شده است، اما رعایت اصول بهداشتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.» اسدی گفت: «این بیماری با رعایت اصول بهداشتی مذکور شامل حذف کنه‌ناقل بیماری از طریق سمپاشی و حمام‌دادن دام‌ها و سمپاشی و ضدعفونی کردن اماکن دامی طبق نظر دامپزشکی، خودداری از له کردن کنه با دست یا روی بدن دام، خودداری از تماس غشاهای مخاطی بدن (نظیر چشم و دهان) با ترشحات و خون دام آلوده، خودداری از کشتار دام در محل‌های غیرمجاز، تهیه گوشت مورد نیاز از محل‌های مطمئن و تحت نظارت دامپزشکی و نگهداری گوشت تازه دام به‌صورت کامل به‌مدت ۲۴ ساعت در دمای ۲ تا ۴ درجه سانتی‌گراد قابل کنترل است.»

این شرایط قطعاً آمار طلاق افزایش پیدا می‌کند؛ چون نمود بیشتری می‌یابد. وقتی تعداد چرخه متاهلان کاهش پیدا کند، طلاق‌های ثبتی در آن بیشتر به چشم می‌آید. دوره کرونا به‌عنوان یک «گپ جامعه» در نظر گرفته می‌شود؛ چون غیرقابل پیش‌بینی بود و به‌همین دلیل نمی‌توان آمارهای این دوره را با بقیه سال‌هایی که خانواده در آن قابل تعریف است، مقایسه کنیم.»

به اعتقاد او جامعه ایرانی در فضای طلاق نسبت به کشورهای دیگر ثبات بیشتری دارد: «ما هنوز به مرز خطری که در حوزه آسیب‌های اجتماعی تعریف می‌شود، نرسیده‌ایم و شرایط کشور از نظر حفظ حریم خانواده خوب است. پرخاش در جامعه افزایش داشته است، آستانه تحمل پایین آمده، سبک زندگی تغییر کرده و جوانان ازدواج نمی‌کنند، فرزندآوری مختل شده و همه آنها قابل اثبات است. با وجود این از دیدگاه نظام حکمرانی نسبت به استانداردهای بین‌المللی در فرایند طلاق هنوز در وضعیت مطلوبی قرار داریم و درعین حال سیاست‌گذاری باید به‌سمت حمایت و صیانت از خانواده ایرانی پیش رود.»

شرایط اقتصادی، روابط جنسی و خیانت، از دلایل اصلی جدایی

وکلاهی حوزه خانواده می‌گویند که شرایط اقتصادی، روابط جنسی و خیانت، از دلایل اصلی طلاق در سال‌های گذشته است. مینا جعفری، وکیل دادگستری می‌گوید که در شرایط فعلی مسائل اقتصادی به دلایل طلاق اضافه شده و در اولویت است: «نصورت می‌کنم مسائل فرهنگی و اقتصادی بیشترین دلایل طلاق محسوب می‌شوند. قبلاً ممکن بود مسائلی مانند تفاهم نداشتن و اعتیاد منجر به طلاق زوجین شوند، اما حالا فشارهای اقتصادی باعث می‌شود زوجین با هم درگیر شوند و ترجیح دهند فقط هزینه زندگی خود را تقبل کنند. اگر قبلاً عدم تفاهم فرهنگی و اعتقادی وجود داشت، حالا شرایط اقتصادی شاخص بسیار مهمی در ازدواج نکردن، طلاق و فرزنددار نشدن است.»

او به «هم‌میهن» می‌گوید که طولانی‌تر شدن روند طلاق، تأثیری در کاهش آن ندارد: «حتی اگر روند رسیدگی به پرونده طلاق طولانی شود، کسانی که تصمیم به جدایی دارند، آن را عملی می‌کنند. چند سال پیش مقرر شد زوجینی که درخواست طلاق توافقی دارند، ابتدا باید به بهزیستی مراجعه کنند و گواهی بگیرند و بعد آن را ثبت کنند. درواقع روند یک‌هفته‌ای را به سه‌ماهه تبدیل کردند. این اقدام تأثیری در آمارهای طلاق نداشت و کاهش پیدا نکرد. کسانی که تصمیم به جدایی داشته باشند، آن را انجام می‌دهند، به‌ویژه اگر زن بخواهد طلاق بگیرد.»

جعفری می‌گوید مشاهداتش و میزان مراجعه برای درخواست طلاق نشان نمی‌دهد که این آمارها کاهش داشته باشد و زنان در طلاق بیشتر مطالبه‌گر بوده‌اند: «شاید نرخ آن ثابت مانده باشد، اما کاهش پیدا نکرده است. در تدوین قوانین باید نظر جامعه‌شناسان، روانشناسان و حقوق‌دانان را لحاظ کرد، در غیراین صورت مفید و کاربردی نخواهند بود و فقط باعث طولانی‌تر شدن روند طلاق می‌شود. در این شرایط هم زوج‌ها الزاماً دوباره به زندگی مشترک برنمی‌گردند. مگر در موارد خاصی که به‌دلیل لجبازی یا دلخوری تصمیم به طلاق گرفته باشند.» به گفته این وکیل دادگستری: «طلاق عاطفی نسبت به موارد قانونی فاجعه‌بارتر است و باعث می‌شود افراد وارد روابط خارج از ازدواج شوند. احساس ناامنی در روابط، گسترش بیماری‌ها و هراس از ورود به رابطه جدی هم از تبعات آن است. اینکه بگوییم طلاق کاهش پیدا کرده یا متوقف شده، امتیاز نیست. باید کاری کنیم که مردم به این مرحله نرسند که حتی به طلاق فکر کنند. ما افرادی را می‌بینیم که سال‌هاست از هم جدا زندگی می‌کنند و روابط دیگری دارند، اما از نظر قانونی زن و شوهر محسوب می‌شوند. این موضوع امتیازی محسوب نمی‌شود که بگوییم از هم جدا نشده‌اند.»

سارا باقری، وکیل دادگستری هم می‌گوید که این روزها براساس مشاهداتش، میزان طلاق عاطفی بسیار زیاد است: «جالب اینکه این موضوع را در افراد میانسال بیشتر می‌بینم. زنان میانساله که بچه‌های‌شان از آب و گل درآمده و توانسته‌اند هویت مستقلی برای خودشان تعریف کنند، اگر پیش از این برای حفظ آبرو یا عذاب وجدان زندگی مشترک‌شان را ادامه داده بودند، برای جدایی اقدام می‌کنند. بخش زیادی از آنها نزد خانواده‌شان می‌روند یا منزلی می‌گیرند تا بتوانند مراحل طلاق را طی کنند. زنانی که ۲۰ یا ۳۰ سال زندگی مشترک داشته‌اند.» او می‌گوید یکی از دلایل اصلی مراجعان او برای طلاق، موضوع روابط جنسی و خیانت است: «یک موضوع دیگر هم مسائل مالی است. زنان بسیاری دارای شغل‌اند اما در مقابل، همسران‌شان کار درست و حسابی ندارند و زنان فکر می‌کنند اگر خودشان زندگی جداگانه‌ای داشته باشند، بهتر می‌توانند از پس هزینه‌ها برآیند. زنانی هم هستند که برای خروج از کشور به مشکل می‌خورند و به‌واسطه اینکه چندین سال طلاق عاطفی گرفته‌اند و همسرشان برای گرفتن پاسپورت با آنها همکاری نمی‌کند، بنابراین تصمیم می‌گیرند که طلاق‌شان را رسمی کنند.»

ایرانی نمی‌توان نسبت کل جمعیت را در طلاق دخالت داد. در کشورهای دیگر ملاک طلاق ازدواج نیست، بلکه ثبت رسمی جدایی زوج است، اما در ایران تنها راه تشکیل خانواده ازدواج است و به‌همین دلیل باید فرآیند اصلی را در نظر بگیریم؛ فرآیندی که از نظر قانونی فرد به‌عنوان زن یا شوهر شناخته می‌شود.»

او ادامه می‌دهد: «شاخص طلاق متاهلان کسانی را در نظر می‌گیرد که حتماً ازدواج خود را به‌صورت رسمی ثبت کرده‌اند و اسناد رسمی او را به‌عنوان یک فرد متاهل معرفی می‌کند. حالا اگر این دو نفر از هم جدا شوند، به آمار طلاق اضافه می‌شوند. سه شاخص دیگر که برای اعلام آمار طلاق مورد استفاده قرار می‌گیرند، نادرست نیستند، اما جمعیت در معرض ازدواج را در نظر می‌گرفت.»

به گفته محمدی در بازه زمانی گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره نرخ طلاق در جامعه یعنی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ آمار طلاق متاهلان در کشور تک‌خطی بود: «روند تک‌خطی یعنی شاهد صعود آمار طلاق نبودیم، اما کاهش هم نداشته است. این شرایط به معنی رخ ندادن طلاق در کشور نیست، بلکه نشان می‌دهد به مرحله‌ای از وخامت نرسیده که از نظر سیاست‌گذاری باید به آن ورود کرد. کاهش طلاق معنای مشخصی دارد، یعنی تعداد آن را کم کرده‌ایم، اما ما ثابت کرده‌ایم که دولت نتوانسته این کار را انجام دهد. طبق برنامه ششم توسعه دستگاه‌های متولی متعهد شده بودند که آمار طلاق ۲۵ درصد در کشور کاهش پیدا کند، اما در تحقق آن موفق نبودند و در نتیجه این روند کاهش پیدا نکرد. در برنامه توسعه هفتم احکام دیگری در حوزه طلاق ثبت شده که بعضی از آنها تکرار موارد برنامه ششم و بعضی دیگر جدید است. در این برنامه درخواست کرده‌ایم که برای پیشگیری و کنترل آسیب اجتماعی طلاق اقداماتی انجام شود.»

به گفته مدیر گروه آسیب‌های اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس: «در دوران کرونا تعداد موارد ازدواج افزایش پیدا کرد و در مجموع نسبت آن به طلاق بیشتر بود. در این شرایط شاخص طلاق متاهلان ثابت می‌ماند. پیش‌بینی من این است که در سال‌های آینده قطعاً شیب به‌شدت تندی در فرآیند طلاق خواهیم داشت؛ چون شاخص‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد تابوی طلاق درحال شکسته‌شدن است، جامعه سنتی درباره آن نگرانی ندارد، جوانان برای خودشان تصمیم می‌گیرند و مدارات خانواده تأثیری در جلوگیری از این فرآیند ندارد. ازطرف دیگر اقبال نسبت به ازدواج کاهش پیدا کرده است. بااین‌حال ممکن است برخلاف این پیش‌بینی، روند تک‌خطی طلاق ادامه پیدا کند.» محمدی می‌گوید: «من به‌صورت مداوم هشدار می‌دهم که حکمرانی باید متوجه شود تمایل به ازدواج نسبت به گذشته کمتر شده است. در

طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس اطلاعات دیگری

درباره نظر مردم درباره میزان شیوع طلاق در ایران وجود دارد: ۵۲ درصد از اعضای جامعه در پاسخ به این پرسش که میزان طلاق در پنج سال گذشته (یعنی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰) چه تغییری داشته؟ معتقد بودند که آمار طلاق «بیشتر» و ۲۹ درصد از مردم هم پاسخ دادند که این آمار «خیلی بیشتر» شده است

او درباره سخت‌تر شدن مراحل طلاق می‌گوید: «چندسال پیش بخشنامه‌ای صادر شد که زوجین باید به مراکز تحت نظر بهزیستی مراجعه کنند و اگر آن مراکز مشاوره تأیید کردند، افراد می‌توانند برای طلاق اقدام کنند. بخواهم خیلی صریح دراین‌باره بگویم، فقط پروسه طولانی‌تر شد. یعنی اکثر زوجین در حال طلاق منتظرند که از این مراکز مشاوره نامه بگیرند تا بتوانند زودتر پروسه طلاق را شروع کنند. حالا این میان کسانی هم بوده‌اند که در این مواقع موقت بوده و بعد از چندماه یا یک‌سال، زوجین دوباره می‌خواهند برای مراحل طلاق اقدام کنند. بنابراین این موضوع به‌صورت ریشه‌ای حل نشده و فرهنگ‌سازی‌ای هم دراین‌باره انجام نگرفته است. صرفاً فقط روی داستان تغییر کرده، وگرنه مراجعه مجدد زوجین نشان می‌دهد که اتفاق مثبتی دراین‌باره صورت نگرفته است.»

نه کاهش، نه افزایش

دو سال پیش مرکز پژوهش‌های مجلس گزارشی درباره روند طلاق در ایران منتشر و آن را با استفاده از چهار شاخص بررسی کرد: نرخ شاخص طلاق متاهلان، میزان عمومی طلاق، فراوانی خام طلاق‌های ثبت شده و نسبت ازدواج به طلاق.

غیر از شاخص طلاق متاهلان، سه مورد دیگر روند طلاق را بین سال‌های ۹۲ تا ۹۹ رو به افزایش نشان می‌دهند، اما درنهایت این گزارش شاخص «طلاق متاهلان» را به‌عنوان ملاک اصلی بررسی آمارهای طلاق معتبرتر می‌داند. طبق این شاخص، در طول دهه ۹۰ میزان طلاق در ایران روندی ثابت و خطی داشته است و حدود ۸/۳ تا ۸/۶ برآورد می‌شود؛ یعنی به‌ازای هر هزار زن دارای همسر در کشور، هشت‌مورد طلاق رخ داده و این میزان تقریباً برای تمام سال‌های دهه ۱۳۹۰ ثابت بود. در همین پژوهش اطلاعات دیگری درباره نظر مردم درباره میزان شیوع طلاق در ایران وجود دارد: ۵۲ درصد از اعضای جامعه در پاسخ به این پرسش که میزان طلاق در پنج‌سال گذشته (یعنی ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰) چه تغییری داشته؟ معتقد بودند که آمار طلاق «بیشتر» و ۲۹ درصد از مردم هم پاسخ دادند که این آمار «خیلی بیشتر» شده است.

فاطمه محمودی، مدیر گروه آسیب‌های اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس است و به هم‌میهن می‌گوید که دلیل انتخاب شاخص «طلاق متاهلان»، شرایط ازدواج و جدایی در ایران است؛ چون در ایران تنها راه تشکیل خانواده، ازدواج است و به‌همین دلیل باید آن را برای محاسبه آمارهای طلاق در نظر بگیریم. او می‌گوید که این مرکز همین شاخص را به‌عنوان ملاک اصلی به دستگاه‌ها ابلاغ کرده است: «تا قبل از انتشار گزارش مرکز پژوهش‌ها در سال ۱۴۰۱، شاخص درستی برای اعلام آمار طلاق وجود نداشت و آن را با شاخص‌هایی می‌سنجیدند که نمی‌توانست آمار درستی به ما بدهد. بعد از این گزارش سنجش طلاق در کشور تغییر کرد و طلاق متاهلان ملاک قرار گرفت. دلیل انتخاب این شاخص این بود که در جامعه

